

محمد حسن، نجف، المكتبة الحيدريه، ۱۳۸۰ق؛ غاية المرام باخبار سلطنة البلد الحرام: عبدالعزيز بن فهد المكي (م. ۹۲۰ق.)، به كوشش شلتوت، جده، دار مدني، ۱۴۰۶ق؛ الكامل في التاريخ: ابن اثير على بن محمد الجزري (م. ۶۳۰ق.)، بيروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ المعالم الاثريه: محمد محمد حسن شراب، بيروت، دار القلم، ۱۴۱۱ق؛ منائح الكرم في اخبار مكة: علي بن تاج الدين السنجاري (م. ۱۱۲۵ق.)، مكة، جامعة ام القري، ۱۴۱۹ق؛ ميقات حج (فصلنامه): تهران، حوزه نمايندگي ولي فقيه در امور حج و زيارت.

حسن اسكندري



آل كازروني ← كازروني، خاندان

آل منصور ← منصور، خاندان

آل مهنا: از علويان حاكم بر مدينه (حك):

(۴۰۱-۵۸۳ق.)

اين خاندان در زمره اشراف حسيني، از نسل ابوعمار همة مهنه الأکبر بن داود بن قاسم (م. ۴۰۸ق.) بودند که نسبشان به امام زين العابدين عليه السلام می رسيد.^۱ آنان حدود يك سده حکمران محلي مدينه بودند. بنو قلیته*، هواشميه و جمایزه (بنو جماز*)^۲ از زیرشاخه های آل مهنا

المدني؛ الاشراف على تاريخ الاشراف: عاتق بن غيث البلادي، بيروت، دار النفائس، ۱۴۲۳ق؛ الاصيلي في انساب الطالبين: محمد بن تاج الدين المعروف بابن الطقطقي (م. ۷۰۹ق.)، به كوشش الرجائي، قم، مكتبة النجفي، ۱۴۱۸ق؛ الاعلام: الزركلي (م. ۱۳۹۶ق.)، بيروت، دار العلم للملايين، ۱۹۹۷م؛ البداية والنهاية: ابن كثير (م. ۷۷۴ق.)، بيروت، مكتبة المعارف؛ تاريخ ابن خلدون: ابن خلدون (م. ۸۰۸ق.)، به كوشش خليل شحاده، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۸ق؛ تاريخ الاسلام وفيات المشاهير: الذهبي (م. ۷۴۸ق.)، به كوشش عمر عبدالسلام، بيروت، دار الكتاب العربي، ۱۴۱۰ق؛ تاريخ امراء مكة المكرمه: عارف عبدالغني، دمشق، دار البشائر، ۱۴۱۳ق؛ تاريخ مكة از آغاز تا پايان دولت شرفاي مكة: احمد السباعي (م. ۱۴۰۴ق.)، ترجمه: جعفریان، تهران، مشعر، ۱۳۸۵ش؛ تحصيل المرام: محمد بن احمد الصباغ (م. ۱۳۲۱ق.)، به كوشش ابن دهيش، مكة، ۱۴۲۴ق؛ تحفة الازهار و زلال الانهار: ضامن بن شدقم الحسيني (م. ۱۰۹۰ق.)، به كوشش الجبوري، تهران، ميراث، ۱۴۲۰ق؛ خلاصة الكلام في بيان امراء البلد الحرام: احمد زيني دحلان (م. ۱۳۰۴ق.)، مصر، مطبعة الخيرية، ۱۳۰۵ق؛ السيرة المنصورية: ابن دعثم (م. قرن ۷)، به كوشش عبدالغني، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۴ق؛ شفاء الغرام: محمد الفاسي (م. ۸۲۲ق.)، به كوشش مصطفى محمد، مكة، النهضة الحديثه، ۱۹۹۹م؛ طرفة الاصحاب في معرفة الانساب: عمر بن يوسف بن رسول (م. ۶۹۶ق.)، به كوشش ك. وسترستين، بيروت، دار صادر، ۱۴۱۲ق؛ العقد الثمين في تاريخ البلد الامين: محمد الفاسي (م. ۸۲۲ق.)، به كوشش فؤاد سير، مصر، الرساله، ۱۴۰۶ق؛ عمدة الطالب: ابن عنبة (م. ۸۲۸ق.)، به كوشش

۱. الدرر الكامنه، ج ۲، ص ۸۸؛ تحفة الازهار، ج ۲، ص ۲۱۲.

۲. عمدة الطالب، ص ۱۲۷، ۳۳۷-۳۳۸، «پاورقي».

هستند. ایشان رقابتی سخت با حاکمان حسنی زیدی مکه داشتند که نسبت به اشراف حسینی از قدرت و جایگاهی والاتر برخوردار بودند. هر دو دستگاه خلافت فاطمی و عباسی برای گسترش نفوذ در حرمین تلاشی بسیار داشتند؛ چرا که نام بردن از خلیفه بر منبر مکه، به ویژه در موسم حج، در آن روزگار از عناصر مشروعیت‌بخش خلافت شمرده می‌شد.^۱ اشراف مکه و مدینه نیز برای بهره‌مندی از کمک‌های این دو کانون قدرت، می‌کوشیدند با هر دو پیوند داشته باشند؛ هر چند که بیشتر نگاهشان به دستگاه فاطمیان بود.^۲

پس از درگذشت داود بن قاسم، پدر مهنا، حکمرانی آل مهنا آغاز گردید. داود در سال ۴۰۱ق. از درگیری میان حکمران مکه و امیر مدینه سود برد و با نزدیک شدن به فاطمیان و تحت حمایت آنان به قدرت رسید. حکمرانی وی کمتر از یک سال به طول انجامید و پس از وی دو فرزندش هانی (سلیمان بن داود) و مَهْنَا (حمزة بن داود) به حکمرانی مدینه رسیدند. حکمرانی هانی دوامی نداشت و اندکی از منابع آن را ذکر کرده‌اند.^۳ مَهْنَا از سال ۴۰۱ تا ۴۰۸ق. جانشین پدر و امیر مدینه بود. وی سرشاخه آل مهنا شمرده می‌شود. هر

چند پس از وی برادرش حسین به حکمرانی مدینه رسید، در ادامه فرزندان و نوادگان مهنا حکمران گشتند.^۴

شهاب‌الدین حسین، نخستین فرزند مهنا بود که از حدود سال ۴۲۸ تا ۴۶۹ق. بر مدینه حکومت کرد.^۵ او شخصی دوران‌دیش، بخشنده، ادیب و شجاع بود.^۶ برخی وی را نخستین امیر مدینه از اشراف حسینی دانسته‌اند.^۷ در پی رقابت امیران مکه و مدینه برای پیوستن به خلفای عباسی یا فاطمی و نیز پس از حمایت محمد بن ابی‌هاشم، امیر مکه، از القائم بامرالله عباسی، سلطان سلجوقی، آل ب ارسلان به حسین بن مهنا پاداش بخشید و اعلام کرد که در صورت پیوستنش ۲۰/۰۰۰ دینار به وی خواهد داد و هر سال نیز ۵۰۰۰ دینار خواهد پرداخت.^۸

حسین بن مهنا همانند حاکمان حسنی مکه از تاجرانی که وارد مکه می‌شدند، مالیات می‌گرفت و بر زائران مرقد نبوی نیز مالیات وضع کرده بود. از این رو، حسین بن احمد علوی مشهور به میخِط در سال ۴۶۹ق. در مدینه قیام کرد و به نام خلیفه فاطمی خطبه

۴. نک: عمدة الطالب، ص ۳۳۷؛ تاریخ امراء المدینه، ص ۲۳۴-۲۳۵.

۵. عمدة الطالب، ص ۳۳۷؛ تاریخ امراء المدینه، ص ۲۳۵.

۶. تحفة الازهار، ج ۲، ص ۲۱۲.

۷. التحفة اللطیفة، ج ۱، ص ۵۶؛ تاریخ امراء المدینه، ص ۲۳۵.

۸. الکامل، ج ۱۰، ص ۶۱.

۱. تاریخ مکه، ص ۱۹۴.

۲. نک: جامعه شیعه، ص ۲۳ به بعد.

۳. تاریخ امراء المدینه، ص ۲۳۲-۲۳۴.

خاندان در مدینه بود که به سال ۵۵۸ق. در گذشت. پس از وی برادرش ابوفلیته قاسم عزالدین تا سال ۵۸۳ق. به مدت ۲۵ سال بر مدینه حکمرانی کرد و ارتباطی گسترده با صلاح الدین ایوبی برقرار نمود.^۹ تبار او به آل فلیته شهرت یافتند. بعدها برخی دیگر از زیرشاخه‌های آل مهنا همچون آل جمّاز و هواشم^{*} به حکمرانی مدینه رسیدند.^{۱۰}

در منابع از دو خاندان دیگر به نام آل مهنا (آل فضل) در باده شام و جزیره^{۱۱} و آل مهنا ابوالخیل از قبیله عنزه^{۱۲} یاد شده که با این خاندان نسبتی ندارند.

◀ منابع

الاعلام: الزرکلی (م. ۱۳۹۶ق.)، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۹۷م؛ تاریخ ابن خلدون: ابن خلدون (م. ۸۰۸ق.)، به کوشش خلیل شحاده، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۸ق؛ تاریخ المدینة المنورة: ابن فرحون (م. ۷۶۹ق.)، به کوشش شکری، بیروت، دار الازرقم؛ تاریخ امراء المدینة: عارف احمد عبدالغنی، اقلیم، ۱۴۱۸ق؛ تاریخ مکه: احمد السباعی (م. ۱۴۰۴ق.)، نادى مكة الثقافی، ۱۴۰۴ق؛ تحفة الازهار و زلال الابهار: ضامن بن شدقم الحسینی (م. ۱۰۹۰ق.)، به کوشش الجبوری، تهران، میراث، ۱۴۲۰ق؛

۹. الکامل، ج ۱۲، ص ۲۰؛ تاریخ المدینة المنورة، ص ۲۱۵؛ تاریخ امراء المدینة، ص ۲۴۳، ۲۴۷.
۱۰. تاریخ المدینة المنورة، ص ۲۲۸؛ عمدة الطالب، ص ۳۳۷-۳۳۸.
۱۱. تاریخ ابن خلدون، ج ۵، ص ۴۹۸؛ ج ۶، ص ۸.
۱۲. نک: الاعلام، ج ۷، ص ۱۱۶.

خواند و ابن مهنا گریخت.^۱ دوران سلطه مخیط بر مدینه هفت ماه بود. با مرگ وی بار دیگر حکومت به فرزندان مهنا رسید و مالک بن حسین بن حمزه حاکم مدینه شد و کمتر از یک سال حکومت کرد.^۲ سادات «واحده»^{*} که گروهی از آنان در مدینه و گروهی دیگر در مصر ساکن بودند، به وی نسب می‌برند.^۳ پس از مالک، برادرش مهنا مشهور به اعرج در سال ۴۶۹ق. به حکمرانی مدینه رسید. برخی به اشتباه حکمرانی وی را در سال‌های ۵۰۸ تا ۵۲۲ق. دانسته‌اند.^۴ به فرزندان وی مهناییه می‌گفتند.^۵ پس از اعرج، منظور/منصور بن عمارة بن مهنا بن سبیع بن مهنا به حکومت رسید. سال آغاز حکمرانی وی مشخص نیست؛ اما وفات وی در سال ۴۹۵ق. ثبت شده است.^۶ او را فردی دور اندیش، شجاع و فاضل خوانده‌اند.^۷ پس از مرگ وی، فرزندش تا سال ۵۰۰ق. حاکم مدینه بود.^۸

حسین بن مهنا الاعرج از دیگر امیران این

۱. المنتظم، ج ۱۶، ص ۱۸۰.
۲. عمدة الطالب، ص ۳۳۶؛ تحفة الازهار، ج ۲، ص ۲۱۳؛ تاریخ امراء المدینة، ص ۲۴۰.
۳. عمدة الطالب، ص ۳۳۷، ۳۳۷؛ تحفة الازهار، ج ۲، ص ۲۱۳.
۴. عمدة الطالب، ص ۳۳۷؛ تحفة الازهار، ج ۲، ص ۳۳۵.
۵. عمدة الطالب، ص ۳۳۷.
۶. الکامل، ج ۱۰، ص ۳۵۲؛ نک: تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۱۴۱؛ عمدة الطالب، ص ۳۳۷.
۷. الاعلام، ج ۷، ص ۳۰۸.
۸. الکامل، ج ۱۰، ص ۳۵۲؛ تاریخ امراء المدینة، ص ۲۴۲.

التحفة اللطيفة: شمس الدين السخاوي (م. ۹۰۲ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۴ق؛ جامعه شيعه نخاوله در مدينه منوره: ورنراند، ترجمه: جعفریان، قم، دليل ما، ۱۳۷۹ش؛ الدرر الكامنه: ابن حجر العسقلاني (م. ۸۵۲ق.)، به كوشش محمد عبدالمعید، هند، مجلس دائرة المعارف العثمانیه، ۱۹۷۲م؛ عمدة الطالب: ابن عنبه (م. ۸۲۸ق.)، به كوشش محمد حسن، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۰ق؛ الكامل فی التاریخ: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ المنتظم: ابن الجوزی (م. ۵۹۷ق.)، به كوشش محمد عبدالقادر و دیگران، بیروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۲ق.

منصور داداش نژاد



آمنه بنت وهب: مادر گرامی پیامبر

اکرم ﷺ و از دفن شدگان در ابواء میان مکه و

مدینه

آمنه دختر وهب بن عبد مناف بن زهره بن کلاب از تیره بنی زهره از قبیله قریش بود^۱ که نسب او در کلاب جد پنجم پیامبر ﷺ به وی می پیوندد. پدرش وهب از بزرگان و شریفان بنی زهره بود.^۲ مادرش بُرّه دختر عبدالعزی از خاندان بنی عبدالدار بود^۳ که در عبدمناف جد سوم پیامبر ﷺ به او می پیوندد. از این روی، به

۱. الطبقات، ج ۱، ص ۴۹؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۹۹.

۲. السیره النبویه، ج ۱، ص ۷۲؛ الطبقات، ج ۱، ص ۴۹.

۳. السیره النبویه، ج ۱، ص ۷۲؛ الطبقات، ج ۱، ص ۴۹.

«زهریه» معروف بوده است.^۴

زمان دقیق تولد او مشخص نیست؛ اما گفته اند: هنگام خواستگاری عبدالله از وی در سال نخست عام الفیل ۲۴ سال داشته است.^۵ بنا براین، زمان تقریبی تولد او ۶۴ سال قبل از بعثت بوده است. آمنه تنها فرزند پدر و مادرش بود و از این رو معروف است که پیامبر ﷺ دایی و خاله ندارد.^۶ برخی منابع از سرپرستی عمویش وهیب و زندگی آمنه در خانه وی گزارش داده^۷ و علت آن را درگذشت پدرش یاد کرده اند؛^۸ اما این خبر قطعی نیست. او را از برترین زنان قریش برشمرده اند.^۹ گفته اند آن گاه که داشتن دختر برای شماری از اعراب مایه ننگ و شرمساری بود، آمنه در میان قوم و خاندان خود احترام ویژه ای داشت.^{۱۰}

درباره چگونگی آشنایی و ازدواج آمنه با عبدالله و نیز رخدادهای پس از ازدواج، گزارش هایی مختلف در منابع ذکر شده است. بر پایه یکی از این گزارش ها، وهب پدر آمنه پس از دیدن شجاعت عبدالله در برابر یهودیان و

۴. امتاع الاسماع، ج ۴، ص ۴۰-۴۱؛ بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۱۵.

۵. نک: تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۹-۱۰.

۶. اعلام الوری، ج ۱، ص ۲۸۵.

۷. الطبقات، ج ۱، ص ۷۶؛ نک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲،

ص ۲۱۷.

۸. سیره المصطفی، ص ۴۰.

۹. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۴۳.

۱۰. البداية و النهایه، ج ۱، ص ۳۰۷.